مورخ ۱۷ نوامبر ١٩١١ در منزل مسترو میسیس دريفوس در پاریس: درباره تعلیم عدم مداخله دین در سیاست و برقراری عدالت

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## مورخ ۱۷ نوامبر ١٩١١ در منزل مسترو میسیس دريفوس در پاریس: درباره تعلیم عدم مداخله دین در سیاست و برقراری عدالت[[1]](#footnote-1)

#### (خطابات جلد اول، ص.۱۷۴ـ ۱۷۹)

هُوالله

انسان بايد در عالم وجود اميد به مکافات و خوف از مجازات داشته باشد. علی الخصوص نفوسی که مستخدم در حکومتند و امور دولت و ملت در دست آنها است. مأمورين حکومت اگر چنانچه اميد مکافات و خوف از مجازات نداشته باشند، البته عدالت نمی کنند. مکافات و مجازات مانند دو عمود می ماند که خيمه عالم بر آن بلند است. لهذا مأمورين حکومت را رادع از ظلم، خوف از مجازاتست و شوق اميد به مکافات. ملاحظه می کنيد در حکومت استبداد چون خوف مجازات و اميد مکافات نيست لهذا امور حکومت بر محور عدل و انصاف دوران ندارد.

مکافات و مجازات دو نوعست. يک مکافات و مجازات سياسی و يک مکافات و مجازات الهی. البته اگر نفسی معتقد مکافات و مجازات الهی باشد و همچنين در تحت مکافات و مجازات سياسی، البته آن شخص اکمل است، زيرا مانع و رادع از ظلم. اگر خوف الهی و بيم مجازات يعنی رادع معنوی و سياسی باشد، البته اين اکمل است. بعضی از مأمورين که خوف انتقام دولت و خوف از عذاب الهی دارند، البته ملاحظه عدالت را بيشتر نمايند علی الخصوص اگر نفسی خوف عقوبت ابدی و اميد به مکافات ابدی داشته باشد، البته اين نفس به نهايت همت در فکر اجراء عدلست و بيزار از ظلم. زيرا انسانی که معتقد است اگر ظلم کند در عالم باقی به عذاب الهی معذب می شود، البته از ظلم و اعتساف اجتناب نمايد، علی الخصوص معتقد اينکه اگر به عدالت پردازد مقرّب درگاه کبريا می گردد و حيات ابديه می يابد و داخل در ملکوت الهی می شود و رويش بانوار فضل و عنايت حق روشن می شود. پس اگر مأمورين دولت متديّن باشند، البته بهتر است، زيرا اينها مظهر خشية اللّه اند. و از اين کلام مقصودم اين نيست که دين در سياست مدخلی دارد.

دين ابداً در امور سياسی علاقه و مدخلی ندارد، زيرا دين تعلق بارواح و وجدان دارد و سياست تعلق به جسم. لهذا رؤسای اديان نبايد در امور سياسی مداخله نمايند، بلکه بايد به تعديل اخلاق ملت پردازند، نصيحت کنند و تشويق و تحريص بر عبوديت نمايند، اخلاق عمومی را خدمت کنند حساسات روحانی به نفوس دهند تعليم علوم نمايند و امّا در امور سياسی ابداً مدخلی ندارند. حضرت بهاءالله چنين می فرمايد. در انجيل است که آنچه مال قيصر است به قيصربدهيد و آنچه مال خداست، به خدا.

باری مقصود اينست که در ايران، مأمورين متديّنين بهائی نهايت عدالت را ملحوظ دارند، چون که از غضب الهی ميترسند و به رحمت الهی اميد دارند و لکن ديگران ابداً مبالاتی ندارند آنچه از دستشان برآيد از ظلم فروگذار نمی نمايند. از اين سبب است که ايران اينطور در زحمت است. من اميدم چنان است جميع احبای الهی مظاهر عدل باشند در جميع امور. زيرا عدل مختص به ارباب حکومت نيست، تاجر نيز بايد در تجارت عادل باشد، اهل صنعت بايد در صنعت خويش عادل باشد، جميع بشر از کوچک و بزرگ بايد به عدل و انصاف پردازند. عدل اينست که بايد از حقوق خود تجاوز نکنند و از برای هر نفسی آن را بخواهند که برای خويش خواسته اند. اين است عدل الهی.

الحمد للّه آفتاب عدل از افق بهاء اللّه طالع شد، زيرا در الواح بهاء اللّه اساس عدلی موجود که از اول ابداع تا حال به خاطری خطور ننموده. از برای جميع اصناف بشر مقامی مقرر که بايد از آن تجاوز نکنند. مثلاً می فرمايد که اهل هر صنعتی را در صنعت خود عدل لازم، يعنی تجاوز از استحقاق خود نکند و اگر تعدّی در صنعت خويش نمايد، مثل پادشاه ظالم است، تفاوت ندارد وهرنفسی در معاملات خود عدالت را ملاحظه نداشته باشد، مثل رئيس ظالم است. پس معلوم شد هر يک از بشر ممکن است هم عادل باشد هم ظالم. لکن اميدم چنين است تمام عادل باشيد و همهٔ فکرتان اين باشد که با عموم بشر آميزش کنيد و نهايت عدل و انصاف در معاملات خود مجری داريد. هميشه حقوق ديگران را بيش از حقوق خود ملاحظه داشته باشيد و منفعت ديگران را مرجّح بر منفعت خود بدانيد تا مظاهر عدل الهی شويد و بموجب تعاليم بهاء اللّه عمل نمائيد. بهاء اللّه مدت حيات خود را در نهايت مشقت و زحمت و بلا بگذراند بجهت اينکه تمام تربيت شوند، عادل شوند و به فضائل عالم انسانی متّصف گردند، نورانيت ابديه يابند. عدالت الهيه بجوئيد رحمت پروردگار باشيد، مظاهر الطاف الهی شويد که شامل کل بشر است. لهذا من در حق تمام دعا می کنم:

اللّهمّ يا واهب العطايا و غافر الخطايا و الراحم علی البرايا يا ربّ الکبرياء ان عبادک الفقراء يبتهلون الی عتبتک العليا و يتضرّعون الی ملکوتک الابهی. يستغيثون برحمتک فأغثهم و يستفيضون من سحاب موهبتک فأمطرهم و يتضرّعون الی جبروت جلالک فأکرمهم يتمنّون قربک فارزقهم لقائک و مشاهدة طلعتک. ربّ تراهم عطشانا ظماء الی معين رحمانيتک و جرّعهم من سلسال موهبتک و سلسبيل عنايتک. ربّ انّهم جياع اطعمهم من مائدة سمائک. ربّ انّهم مرضی داوهم بدوائک. ربّ انّهم اذلّاء ببابک اجعلهم اعزّاء فی ملکوتک. انّک انت الکريم انک انت العظيم انک انت الرّحمن الرّحيم.



1. نطق مبارک شب شنبه ٢٦ ذی قعده ١٣٢٩ \_ در منزل مستر دريفوس - پاريس( ۱۷ نوامبر ١٩١١ ) [↑](#footnote-ref-1)